



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم و پنجم – ۱۷ آذر ماه ۱۳۹۹

آیة ۴۶:



وَلِمَنِ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

جَنَّاتٍ (الرحمن / ٤٦)

آن که از مقام ربوبیت خدایش « بترسد » دو باغ دارد.

« ترس » یعنی چه؟

متأسفانه کلمات:

جُبْن، خُوف، رُوع، رُعْب، رَهْب، رَهَق،
تَقْوَا، إِنْذَار، خَشْيَه، وَحْشَه، دَهْشَه و ...

معمولا با کلمه « **ترس** » ترجمه می‌شوند،

در حالی که هر کدام از آنها مفهوم خاصی دارد.

« خوف »

یعنی چہ؟

« خُوف »

نوعی « نگرانی » از اینست که مبادا

« تحتِ تاثیر عواملِ بیرونی »

« لیاقتِ درونی » فرد از بین برود،

و او از رسیدن به « مطلوبِ بیرونی » باز ماند:

۱- پس فردِ خائف،

« **دَقْتُ** و **مراقبت** » بیشتری از خود ابراز می کند:

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ **خَائِفًا يَتَرَقَّبُ**،

فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى : ... (۱۸)

فَخَرَجَ مِنْهَا **خَائِفًا يَتَرَقَّبُ**،

قَالَ: رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص/۲۱)

۲- منافقین برای ایجاد رُعب و خرابکاری در مراکز عبادی،

بسیار « نگران و مراقب » هستند تا « شناخته نشوند »:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ

« وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا »

أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا « خَائِفِينَ » (بقره/۱۱۴)

۶- مؤمنین « تسلیم » خدا، تعلّقی به « دنیای فانی » ندارند،

لذا برای از دست دادن مال، مقام، متاع دنیوی، هیچ نگرانی ندارند:

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ

وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/۱۱۲)

۴- مؤمنین اموالشان را « امانت الهی » می دانند،

لذا بدونِ نگرانی (از فقر)، آنها را « انفاق » می کنند:

الَّذِينَ **يُنْفِقُونَ** أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً...

وَلَا **خَوْفٌ عَلَيْهِمْ** وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/۲۷۴)

۵- مومنین، به خاطرِ « نگران نبودن »،
« انفاقشان » آلوده به « نفسانیت و منت و اذیت » نیست:

الَّذِينَ **يُنْفِقُونَ** أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا **مَنَا** وَلَا **أَذَى**
لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا **خَوْفٌ عَلَيْهِمْ**
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/۲۶۲)

❖ شیطان، نوکرانش را (با دروغ از دیوار کشی!، جنگ و ...) می ترساند

اما مؤمنین فقط باید نگرانِ « نارضایتیِ خدا » باشند:

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

فَلَا تَخَافُوهُمْ

وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/ ۱۷۵)

۷- إِنْ الَّذِينَ قَالُوا: رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت/ ۳۰)

همانا آنان که گفتند: زمامدار ما خداست سپس مقاومت کردند ملائکه بر آنان فرود می‌آیند
(و به آنها می‌گویند: هرگز نگران و ترسان و غمگین نباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

➤ ■ مومنین با نگرانی از اینکه مبادا به رضوان الهی نرسند

(در دل شبها) از خوابشان می‌زنند و از بستر جدا می‌شوند

و امیدوارانه او را می‌خوانند و از اموالشان انفاق می‌کنند:

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

« **خَوْفًا** » وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (سجده/۱۶)

پس « **خُوف** »،

« **مراقبت و نگرانی** » از اینست که مبادا

« **تحتِ تاثیر عواملِ بیرونی** »،

« **لیاقت و قابلیتِ درونی** » فرد از بین برود،

و از رسیدن به « **مطلوب و محبوب** » باز بماند.

۹- إِلَهِي؛ وَ الْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ

فَأَكُونُ لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا

وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا (مناجات شعبانیه)

ای خدا؛ و مرا به نور مقام عزت خودت که نشاطش از هر لذتی بالاتر است برسان
تا تو²⁰ را بشناسم و از غیر تو رو بگردانم و از تو ترسان و «مراقبِ خودم» باشم.

۱۰- « هدایت », « ترس و اندوه » را از بین می برد:

قُلْنَا: اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا

فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي « هُدًى »

فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره/۳۸)

« خائف »،

چنان « عاشق موحّدی » است که

نه تنها از « آتشِ » جهنّم نمی‌ترسد،

بلکه « آتشِ » از او « می‌ترسد »:

نکته‌ای بسیار «**جالب**»:
آیا «**آتش**» از چیزی **می‌ترسد**؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

تَقُولُ جَهَنَّمَ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ:

جُزْ يَا مُؤْمِنُ فَقَدْ أَطْفَأَ نُورُكَ لَهَبِي

جهنم، در روز قیامت به مؤمن می گوید:

ای مؤمن، عبور کن زیرا نور تو شعله هایم را خاموش کرد!!!

(بحار الأنوار / جلد ۸ / صفحه ۲۴۹) (نور الثقلین / ج ۳ / ص ۳۵۴)

وَلِمَنِ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

جَنَّاتٍ (الرحمن / ٤٦)

آن که از مقام ربوبیت خدایش « بترسد » دو باغ دارد.

آیا مقامِ ربوبیتِ خدا

«توس» دارد؟

« آری »، فقط « مقامِ ربوبیتِ خدا »، « خوف » دارد.

البته « خوفِ عاقلانه و عارفانه و عاشقانه »،

از اینکه:

مبادا « معشوق » او را « نپسندد » و به خودش واگذارد.

« خدایِ رحمان، مطلق زیبایی » است و هیچ ترسی ندارد،

اما باید از « محرومیت از عنایتِ او »، خیلی « ترسید ».

منظور از « جَنَّتَانِ » چیست؟

راستی در آیه: « **وَادْخُلْ جَنَّتِي** »، « **جَنَّتِ** خود **خدا** » کجاست؟
قطعا این « **جَنَّتِي** » با « **جَنَّتِ** » خوبان دیگر، خیلی فرق دارد.
این « **جَنَّتِي** » برای آنانست که به « **نَفْسِ مَطْمَئِنَةٍ** » رسیده‌اند.
« **نَفْسِ مَطْمَئِنَةٍ** »،

« امام **حسین** » ذوب شده در توحید است،

که چون « **خدا** » با اوست پس « **تمام هستی** » در خدمت اوست.

آیة ۴۷:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *

چه افرادی «مکذِّبِ آلاءِ» هستند؟

« **تکذیب** » کنندگان « **آلاءِ الهی** »،

آنهايي هستند که

« مالکیت، اقتدار، سلطنت، حاکمیتِ حکیمانه »

و « **مقامِ ربّ** » خالقشان را نفهمیده و باور نکرده

و هنوز « **خائف** » نشده‌اند.

آیة ۴۸:



ذَوَاتَا ~~ن~~ أَفْنَانٍ (۴۸)

که آن دو بوستان،

درختان پُر شاخه و نعمت‌های بسیار متنوع و فراوانی دارند.

« ذو » (برای مذکر)، « ذات » (برای مؤنث)، مثنی: « ذواتان » (دارا بودن و در بر داشتن)

« فن^{۳۵} » (فنون، تفنّن، فنّان): پُر شاخه، پُر انشعاب، مزین، هنر، تنوّع، انواع، اقسام.

آنان که از « **مقامِ ربّ** » خود، « **خائف** » شده‌اند،

« **دو بهشت** »، سرزنده و شاداب و شگفت‌انگیز و پُر نعمت دارند،

شاید آنان بهشتِ « **معقولی** » دارند که مثل درختی تنومند،

ریشه‌اش در آسمان و شاخه‌هایش رو به زمین است،

و بهشتِ « **محسوسی** » هم دارند که مانند درختی عظیم،

ریشه‌اش در زمین و شاخه‌هایش رو به آسمان است:

... أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (إبراهیم/۲۴)

آنان که از « **مقامِ ربّ** » خود « **خائف** » اند،

در دو بهشتِ « **معرفت** » و بهشتِ « **حال** » اند،

که از سراپای آنان، « **آگاهی** » می‌جوشد،

و « **حیات** و زندگی » تراوش می‌کند.

آنان، خود جلوهٔ « **شرابِ طهورِ الهی** » هستند.

آیة ۴۹:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟*

چه افرادی « مکذِّبِ آلاءِ » هستند؟

« **تکذیب** » کنندگانِ « **آلاءِ الهی** »،

اسیر و بردهٔ « حواس و هوس و مادیگرایی » اند،

که بر گوش و قلبِ آنها « مُهرِ تعطیلی » خورده،

و (مانند حیوانات)، « نگاهِ معنوی و آخرتی » ندارند،

و خود را در چنگالِ « جبرِ طبیعت » می‌پندارند:

أَفَرَأَيْتَ « مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ »

وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَغَلَّبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً

فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟ (۲۳)

وَقَالُوا: مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (جاثیه/۲۴)

پس آیا دیدی آنرا که هوشش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه کرده و بر گوش او و قلبش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده آیا پس از خدا چه عاملی او را هدایت می‌کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ و گفتند: غیر از زندگی دنیایی ما، (چیز دیگری) نیست می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی‌کند، آنها بدون هیچ دانشی چنین می‌پندارند.

نکته مهم:



با توجه به اینکه « بیشتر آیات این سوره »،

« توصیفِ جهنّم و بهشت و بهشتیان » است،

که برای بشر در دنیا، « روشن و محسوس » نیست،

پس شاید « آلاء »، « نعمتهای حکیمانه‌ای » است که

« بعداً » عرضه و « نمایان » و « تجربه » می‌شوند،

و بشر « برای رفع غفلتش » باید به آنها « ذاکر » باشد.

آیة ۵۰:



فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)

در آن دو (بهشتِ خائفان)

دو چشمهٔ (تسْنِیم و سلسبیل) همیشه جاری است.

شاید یکی از این دو چشمه،

« **چشمهٔ سلسبیل** » باشد که در سوره انسان معرفی شده است:

و يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا * عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

و در آنجا از جامه‌هایی می‌نوشند که با زنجبیل آمیخته است. از چشمه‌ای که « سلسبیل » نامیده می‌شود.

و چشمه دوم، « **چشمهٔ تسنیم** » باشد که بهترین نوشیدنی بهشتی است:

و مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (مطففین/۲۸)

شاید « پیامِ » اینکه در روایات گفته شده است که

« مالکِ چشمهٔ سلسبیل »،

« أمير المؤمنين حضرتِ علی » صلوات الله عليه هستند،

اینست که بدونِ « تمسّک به ائمه اطهار » صلوات الله عليهم،

رسیدن به این « بهشتِ مقربین » غیر ممکن است.

آیة ۵۱:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟*

زندگی این « مکذّبین » چگونه است؟

« **تکذیب** » کنندگانِ « **آلاءِ الهی** »،

مانندِ « **أنعام** » زندگی می کنند،

زیرا معمولاً برای دیگران « نعمت » اند،

اما « **خود** » را به « **آتش** » می کشانند:

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ **الَّذِينَ آمَنُوا** وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ **وَيَأْكُلُونَ** كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (محمّد/۱۲)

خدا اهل ایمان را که کارهای شایسته انجام داده‌اند به باغهایی که از کفشان نهرها روان است وارد می‌کند. اما اهل^{۵۳} کفر (فقط در دنیا) بهره می‌برند و همانطور که اُنعام می‌خورند آنها هم می‌خورند و جایشان آتش است.

آیة ۵۲:



فیهما

مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو (بوستان خائفین)،

از هر میوه‌ای، «دو گونه» است.

این «زوج» بودن یعنی چه؟



خدایا؛

کمکمان کن تا از « **خائفین** » باشیم،

اما از « **مجرمین** » و « **مکذبین** » نباشیم،

و در « **ظهور آخرین حجتِ تو** » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

